

## بازشناسی نقش مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

جلیل دارا<sup>۱</sup>

سعید قربانی تازه‌کندی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

**هدف:** حکومت اسلامی دارای ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. نقش مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی اساسی است. چرا که فرهنگ در مبانی اسلامی جایگاه زیربنایی دارد. لذا صیانت از مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی به‌عنوان یک اصل تمدن‌ساز، یک ضرورت است.

**روش‌شناسی پژوهش:** در پژوهش حاضر نگارندگان درصدد هستند با توجه بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و ترکیبی و استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل لایه‌ای فعالیت‌های فرهنگی تأثیرگذار بر تشکیل تمدن اسلامی به بازشناسی این مؤلفه‌ها بپردازند. سؤال اصلی پژوهش این است که مؤلفه‌های فرهنگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در مبانی فکری و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟

**یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از پژوهش نشانگر آن است که مؤلفه‌هایی چون اخلاق محوری، عدالت محوری و ایجاد خودباوری و اجتناب از سکولاریسم و امثال آنها باید مورد توجه اساسی قرار گیرد.

**نتیجه‌گیری:** در صورتی که این راهکارها به‌عنوان پادزهر در قبال آسیب‌ها به کار گرفته نشوند، تأمل در رابطه با عوامل و ابعاد شکل‌دهنده‌ی تمدن‌سازی نوین اسلامی، محلی از اعراب ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ، حکومت، تمدن، آیت‌الله خامنه‌ای، فعالیت‌های فرهنگی، انقلاب اسلامی.

**Email:** j.dara@modares.ac.ir

**Email:** shahadat10425@gmail.com

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشجوی دکتری رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

## مقدمه

اسلام به‌عنوان دینی تمدن‌ساز در منطقه‌ای ظهور کرد که از هر سو، تمدن‌هایی بزرگ آن را احاطه کرده بود. اما همان‌گونه که سرزمین خشک جزیره العرب از رطوبت دریاهای اطراف محروم بود، نسیم فرهنگ و اندیشه تمدن‌های پیرامون نیز در این سرزمین چندان وزیدن نگرفت. و نیز اسلام در هنگامه‌ای پا به عرصه گیتی نهاد که به علل مختلف، تمدن‌های منطقه‌ای دوره بالندگی خود را پشت سرگذاشته، رو به ضعف می‌رفتند و این خود یکی از عوامل مؤثر در گسترش اسلام بود. دینی که حضرت محمد(ص) آورد به زودی از مرزهای جزیره العرب گذشت و امپراتوری‌های بزرگ را به چالش واداشت، از اندلس در غرب تا مرزهای چین را در شرق در نوردید و تمدن و فرهنگی بنانهاد که نقش مهمی در تاریخ تمدن بشری ایفا کرد و هنوز هم یکی از حوزه‌های بالقوه تمدن‌ساز محسوب می‌گردد (مفتخری، ۱۳۷۹: ۳). از آنجا که اسلام در فرهنگ عربی به‌وجود آمد، فرهنگ‌های دیگر که اسلام را پذیرفته‌اند، عمدتاً تحت تأثیر آداب و رسوم آن قرار گرفته‌اند. بنابراین جوامع مسلمان و مسلمانان نیز دارای روابط فرهنگی هستند، هرچند هر جامعه ویژگی‌های متمایز خود را حفظ کرده است. با این حال، این رکورد نوشته شده است که تا به حال بیشترین تأثیر را در تمدن اسلام برجای گذاشته است (Bassiouni, 2012: 2-3). شهید صدر علت این مسئله را این‌گونه تشریح می‌نماید که تمدن اسلامی مبتنی بر حقیقت و عدالت، رفتار می‌نماید (الصدر، ۱۴۳۲: ۲۲). ظهور هر تمدنی در نظام بین‌الملل بر اساس مبانی و ارزش‌های خاصی حاصل می‌گردد؛ چرا که نوع نگاهی که انسان به ابعاد مختلف دارد اجزا و عناصر یک فرهنگ را شکل می‌دهند و با توجه به این نوع نگرش، شاخص‌های فرهنگی تمدن‌سازی شکل می‌گیرد. در ادیان توحیدی و اسلام نیز وضعیت به همین شکل است. در اسلام بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ اسلامی شکل می‌گیرد، در نتیجه اهداف فرهنگی نیز با توجه به آن ارزش‌های اسلامی به‌وجود می‌آید.

در واقع هر تمدنی برای شکل‌گیری نیاز به شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی است و تا زمانی که این شاخص‌ها به‌صورت منسجم باهم در یک کالبد جمع نشود نمی‌توان انتظار شکل‌گیری یک تمدن را داشت و در رابطه با اسلام نیز وضعیت به این شکل است یعنی اسلام شاخصه‌هایی را برای تمدن‌سازی بیان کرده است و مردم را برای تحقق این شاخص‌ها جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی تشویق کرده است. از جمله شاخص‌های اساسی که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم کرده و به‌نوعی خط و مشی تمدن اسلامی را مشخص و تعیین کرده بُعد فرهنگی بوده است، یعنی در حکومت اسلامی فرهنگ مشخص می‌کند که از لحاظ نظامی به چه نحوی باید اقدام کرد و در بُعد سیاسی باید به چه اقداماتی دست زد و بُعد اقتصادی باید دارای چه شرایطی باشد و با چه رویکردهایی عمل کند. لذا در صورتی که بُعد فرهنگی حکومت دچار آسیب گردد، محورهای دیگر نیز دچار آفت می‌گردند. پس ضروری است ضمن بازشناسی مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی نیز شاخص‌هایی برای صیانت از بُعد فرهنگی شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین اسلامی در نظر گرفته شود. در پژوهش حاضر هدف نویسندگان بر این است که مؤلفه‌های فرهنگی ظهور تمدن نوین اسلامی را با اتکا بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار دهند. و این‌که چرا ایشان

فرهنگ و شاخص‌های آن را محور و زیربنا و سایر عوامل از جمله سیاسی را متأثر از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی می‌داند.

### پیشینه پژوهش

هر چند در خصوص موضوع این مقاله نمی‌توان اثری را یافت که مستقیماً به این موضوع پرداخته باشد، اما آثاری در این زمینه تولید شده که به آنها اشاره می‌کنیم. مقاله «سازوکار تأثیرگذاری قرآن کریم بر بنیان‌های فکری تمدن اسلامی» (انجم شجاع و همکار، ۱۳۹۷: ۳۷). سازوکار تأثیرگذاری قرآن کریم بر بنیان‌های فکری تمدن اسلامی را تبیین و بررسی کند. در مقاله «نقش دانشمندان شیعه در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در شامات از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری» (مرادی نسب و همکار، ۱۳۹۷: ۱۳۵). با مطالعه تاریخی، بر نقش علمای شیعی در تمدن‌سازی اسلامی تأکید می‌نماید. همچنین مقاله «آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی» (محرمی، ۱۳۹۷: ۶۸) اشاره به مؤلفه امنیت فرهنگی و نقش آن در تمدن‌سازی دارد.

پژوهش «ضرورت و راهکارهای وحدت مسلمانان و تشکیل تمدن نوین اسلامی» (مهرنیا، ۱۳۹۶: ۲۳) عناصر اولیه تشکیل تمدن نوین اسلامی را برمی‌شمرد. همچنین دو مقاله «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» (محمدی و همکار، ۱۳۹۶: ۶۱) که به نقش دولت اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین گام در فرآیند تمدن‌سازی می‌پردازد و بر مؤلفه‌های فرهنگی دولت اسلامی اشاره می‌نماید و نیز مقاله «آفاق تمدن نوین اسلامی در سپهر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (درخشه و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۹) که انگاره‌ی تمدن نوین اسلامی در چهار حوزه‌ی کلان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، غایت‌شناسی و روش‌شناسی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای مورد مطالعه و بازتفسیر قرار می‌دهد، هرچند به بحث ما نزدیک‌تر است اما اشاره مستقیم به بحث ندارد. لذا در پژوهش حاضر هدف نگارندگان بر این است که با اتکا بر بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، مؤلفه‌های فرهنگی ظهور و تجلی تمدن نوین اسلامی مورد بازشناسی قرار گیرد. محوری که در پیشینه‌ی فوق، مورد واکاوی قرار نگرفته و یا به‌صورت محدود واری شده است.

### ادبیات مفهومی پژوهش

#### ماهیت و مفهوم تمدن

واژه «تمدن» در زبان انگلیسی civilization و در عربی حصاره خوانده می‌شود. در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده و به معنی دیگر متخلق شدن به شهرنشینی یا خوی و خصلت شهرنشینی به خود گرفتن می‌دهد و بدان معناست که بشر در سایه آن به تشکیل جوامعی پرداخته و شهرنشین شده است. در زبان‌های بیگانه نیز کلمه تمدن civilization از کلمه civita که در مقابل

وحشیگری قرار گرفته و از کلمه *civilis* که معنی شهرنشینی دارد گرفته شده است (صفری، ۱۳۸۹: ۷۴) جامعه تمدنی را می‌توان نوعی برنامه‌ریزی در نظر گرفت که در اجتماع به‌وجود می‌آید (Callahan & Brooks, 2004).

هنری لوکاس<sup>۱</sup> در کتاب «تاریخ تمدن» می‌گوید: «تمدن پدیده‌ای به هم تنیده است که همه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در برمی‌گیرد» (لوکاس، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۶) بیلز<sup>۲</sup> معتقد است؛ همه تمدن‌ها و از جمله تمدن‌های بزرگ امروزی و عهد باستان، فقط نمونه‌های خاصی از فرهنگ به‌شمار می‌روند که از نظر کمیت محتوایی‌شان و پیچیدگی الگوبندی‌شان از یکدیگر متمایزاند، ولی از لحاظ کیفیت، با فرهنگ‌های اقوام به‌اصطلاح نامتمدن فرقی ندارد. در تعریف هر اسکوتیس<sup>۳</sup> تمدن عبارت است از مجموعه دانش‌ها، هنرها و فنون و آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی، طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک جامعه و یا چند جامعه که با یکدیگر ارتباط دارند. مانند تمدن مصر، یونان، ایران و هر کدام دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارد. ساموئل هانتینگتون<sup>۴</sup> تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آورد (فوزی و همکار، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱).

به عقده شریعتی «تمدن عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های فراهم آمده از گذشته یا از دیگران (مادی و معنوی) که جامعه بشری می‌سازد» (شریعتی، ۱۳۷۰: ۱۱) از منظر مالک بن‌نبی، عنصر اخلاقی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی تمدن، نقش مهمی در برقراری ارتباطات اجتماعی و تشکیل شبکه قوی روابط اجتماعی دارد. در واقع هرگونه رابطه‌ای در جوهر خود یک ارزش فرهنگی است که توسط قواعد اخلاقی صورت‌بندی می‌شود. البته مراد بن‌نبی از اخلاق در این‌جا، اخلاق فلسفی نیست بلکه اخلاق اجتماعی است که ناشی از روحیه اخلاقی برآمده از ادیان آسمانی است که وظیفه اصلی آن ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد در جامعه است (الویری و همکار، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۶۷) در تمدن اسلامی، دین امری فطری بوده که بر روندهای اجتماعی تمدن تأثیر می‌گذارد (الصدر، ۱۴۰۹: ۹۰). به هر روی، تمدن اسلامی در آغاز امر یک اقدام فرهنگی مبتنی بر اسلام بوده است که بیشتر بر تحریک احساسات انسانی متکی بوده است (Altwajiri, 2007: 7)

### حکومت اسلامی

حکومت اسلامی محوری‌ترین موضوع اندیشه سیاسی اسلام است که اسلام‌شناسان از مناظر گوناگونی به آن نگریسته‌اند. با وجود این، همچنان معیار واحد و روشنی به منظور تشخیص و قضاوت درباره‌ی

1. Henry Lee Lucas

2. Bilz

3. Herskovits

4. Samuel P. Huntington

اسلامی بودن یا نبودن یک حکومت وجود ندارد. از سوی دیگر، برای تشکیل حکومت اسلامی در عرصه‌ی عمل یا حرکت حکومت‌های موجود در جوامع اسلامی به سمت الگوی مطلوب خود، باید شاخصه‌هایی اجرایی از متن شریعت استخراج کرد تا راهگشای حکمرانان و مردم در تحقق عملی حکومت اسلامی باشند. به نظر می‌رسد حکومتی را می‌توان اسلامی نامید که در صدد اجرایی کردن تمامی ابعاد شریعت اسلام در سطح جامعه باشد؛ به تعبیر دیگر می‌توان از آن با عنوان اصل «حاکمیت شریعت» در حکومت اسلامی یاد کرد. تحقق عملی و واقعی حاکمیت شریعت نیز در گرو وجود سه شاخصه است: لزوم قانونگذاری منبعث یا در چارچوب شرع و مشروعیت حاکم و هیأت حاکمه؛ و در نهایت شیوه‌ی حکمرانی شرعی یا اسلامی (ارسطا و بهادری، ۱۳۹۳: ۲۷).

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به‌سوی هدف نهایی (حرکت به‌سوی الله) بگشاید (خورشیدی، ۱۳۹۴: ۵). حکمرانی در حکومت اسلامی عبارت است از «سرپرستی امور مردم بر طبق شریعت اسلامی». البته باید قوانین و دستورات اسلامی در خود حکمرانی و سرپرستی امت نیز رعایت شود؛ زیرا سرپرستی امت، خود از امور و شئون امت است و بدین جهت باید به همان شکلی انجام شود که اسلام مشخص نموده است (صدر، ۱۳۹۳: ۲۸۶). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای «حکومت یعنی اقتدار ملی در اختیار اسلام است. کسانی که زمام‌های امور در دستشان است، عمیقاً به اسلام معتقدند. مردم هم که ایمان در عمق جان‌شان جا دارد. لذا زمینه برای مسلمان شدن و مسلمان زیستن خیلی زیاد است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷) البته منظور ما از حکومت اسلامی در این مقاله مجموعه نهادهای حکمرانی مربوط به حکومت اسلامی است نه صرفاً قوه مجریه یا همان دولت که مدام در حال تغییر است.

## مدخل نظری پژوهش

### فرهنگ و ظهور تمدن

لینتون<sup>۱</sup> در مورد مفهوم تمدن می‌گوید: «تمدن عبارت است از مجموعه‌ی منظمی از کردارهای اکتسابی خاص هر جامعه» (لینتون، ۱۳۳۷: ۳۱) این امکان قابلیت پیاده‌سازی ندارد مگر این که انسان روی به زندگی اجتماعی بیاورد. یکی از ویژگی‌های انسان، مدنی بالطبع بودن است؛ یعنی انسان برحسب سرشتی که دارد و نیز بر اساس استعدادی که در آفرینش او لحاظ شده است هم‌میل و گرایش به مدنیت و بهره‌مندی از تمدن در او وجود دارد و هم زمینه و شرایط برخورداری از تمدن (شریعتی‌تبار، ۱۳۹۴: ۴) تمدن از دو عامل اساسی حاصل می‌شود: ۱. زمین؛ ۲. انسان، این پدیده‌ی تاریخی محصول توان انسان در غلبه بر نیروهای طبیعی است که حاصل شناسایی قوانین حاکم بر آن از مسیر علم و دانش از یک‌طرف

1. Lynton

و امکان کنترل و تصرف نیروی طبیعت به نفع خواسته‌های انسان به وسیله‌ی تکنولوژی از سوی دیگر است. این غلبه هم شامل غلبه بر تأثیرات نیروهای طبیعی در شکل‌گیری بُعد مادی زندگی انسان می‌شود و هم غلبه بر ضعف انسان در تأثیرپذیری روحی و نفسانی از غلبه‌ی شرایط محیطی را در برمی‌گیرد. در این میان، آنچه در سیره‌ی انبیا‌ی الهی و پیامبر اسلام (ص) امیرمؤمنان علی (ع) گرفته شده و مبنای تمدن‌سازی دینی است، توانمند کردن انسان در بُعد دوم است که می‌تواند به نیرومندی او در بُعد اول نیز منجر شود. چنین کاری جز با ارائه‌ی بینش، امکان‌پذیر نیست. زیرا تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که غلبه‌ی انسان بر محیط طبیعی از طریق فناوری، بدون چیره شدن بر (ضعف‌های نفسانی که از راه تربیت و تذهیب انسان‌ها صورت می‌گیرد) منجر به سلطه همین روش و تکنولوژی بر اراده‌ی انسانی می‌گردد؛ یعنی ضعف انسان در برابر قوای طبیعی جای خود را به ضعف او در برابر تکنولوژی می‌دهد و در واقع، ناتوانی آدمی در برابر طغیان نفس سرکش قدرت‌طلب و ثروت پرست است.

بر اساس بینش دینی، انسان به نسبت شکوفایی و فعلیت یافتن استعدادهای نهفته‌ی انسانیش، می‌تواند نقش عوامل محیطی را کم‌رنگ و خنثی کند که چنین تحولی در زمان پیامبر (ص) اتفاق می‌افتاد. این تحول شگرف، حاصل رهبری و ولایت پیامبر (ص) بود که سبب دگرگونی بنیادی معنوی - عاطفی و عقلانی مسلمانان می‌شد. از زمان شکل‌گیری حکومت پیامبر اسلام (ص) و گسترش اسلام تا دوران معاصر، جهان اسلام به نوعی از یکپارچگی و همگونی ذهنی برخوردار بوده است. همگونی مزبور که نتیجه هم‌آوایی نظری بر روی زیرساخت‌هایی چون جهان‌بینی توحیدی، هدایت و سایر آموزه‌های اسلامی بود توانمندی تاریخی مسلمانان را جهت شکل‌دهی و بسط تمدن اسلامی افزایش داد. تمدنی که در فرآیند تاریخی خود توانست کوشش‌های فکری و سیاسی و اجتماعی را در ذیل خود جمع و سازمان‌دهی نمود و توأم با ابتکار، نوآوری و خلاقیت، جهان زیست متفاوتی را برای بشر بیافریند (درخشه، ۱۳۸۹: ۳۵).

بنابراین آنچه در توسعه و تمدن مادی، شاخص‌های تعالی و تکامل پنداشته می‌شود در نظام اعتقادی دینی، در معنایی دیگر و در جهت‌گیری خاصی پذیرفته و ارزش‌گذاری می‌شود. در واقع، لذت‌جویی‌های تمدن مادی که معلول رفاه ناشی از کنترل و تصرف جهان مادی است در تمدن دینی اصالت خود را از دست می‌دهند و در چارچوب محدودیت‌های اخلاقی و دینی، تعدیل و جهت‌دهی می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای «تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است که وسیله است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها پیشرفت کشور خوب بوده است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است. مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی

مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

### تمدن اسلامی؛ دیدگاه‌ها و ویژگی‌ها

تمدن تا آنجا که جنبه انسانی و جهانی دارد، یک پدیده علمی و قانون‌مند در چهارچوب نظام انسانی و شرایط خاص اجتماعی و اقلیمی و فکری و مختصاتی برای یک جامعه ویژه در یک منطقه‌ی ویژه است. تمدن اسلامی از یک جامعه‌ی عربی محدود در مکه آغاز شد و به دلیل آموزه‌های جهانی اسلام توسعه یافت، بعد به دلیل عربی‌گری امویان اندکی متوقف شد و سپس با حضور ملل دیگر در آن تقویت گردید و توسعه یافت. در ادامه نظام‌های سیاسی چندگانه در صحنه سیاست اسلامی پدید آمد و منازعات گسترده را به ضرر تمرکزگرایی وسیع در عالم اسلامی دامن زد. زمانی که فرقه‌بازی شروع شد و همه را به جان هم انداخت و آن‌گاه که بر اثر این ضعف، ترکان و مغولان در دنیای اسلام طمع کردند و امکانات آن هرز رفت، کندی و نابودی و سکوت قرن هفتم تا نهم را به ارمغان آورد. ابن‌خلدون نشان می‌دهد که چطور وقتی جامعه‌ی قبیله‌ای دولت تشکیل می‌دهد، اگر به شریعت تمسک کند و حالت فراقبیله‌ای به خود بگیرد، سبب بسط عمران و تمدن می‌شود. تمدن به معنای توسعه در جامعه انسانی، از یک خانواده کوچک به یک خانواده بزرگ در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی و سیاسی و به‌ویژه پیشرفت‌های مادی است و سازگاری روحی و معنوی در آن نیاز به یک نظام هماهنگ در میان همه‌ی مؤلفه‌های مورد نیاز آن دارد. اساساً وقتی امر تمدن شدنی و وقوع یافتنی است که حصارهای کوچک شکسته شده، مرزهای هماهنگی و همفکری بازتر شده و دایره جامعه انسانی به‌صورت منظم و هماهنگ توسعه یابد و در مقابل، جلوی موانع گرفته شود. این کار شرایط ویژه‌ای را طالب است که در درجه نخست جنبه معرفتی و دیدگاهی دارد. یعنی دیدگاه‌هایی که بتواند توسعه را هم‌زمان با منع تهاجم نهادینه کند. در ادامه، ساختارهای اجتماعی و سیاسی و شرایط اقلیمی و زیستی اهمیت می‌یابند. این که یک مجموعه بتواند به‌طور هماهنگ در مسیر توسعه و پیشرفت حرکت کند، نیاز به آن دارد که تمامی شرایط فکری و عملی آن فراهم باشد. هر نوع محدودیت و مرز اضافی و زاید می‌تواند دایره‌ی کار را محدود، اندیشه متمرکز را مختل کرده و نظام اجتماعی و طایفه‌ای و ساختار اقتصادی و سیاسی را تحت الشعاع قرار دهد و سپس کاروان پیشرفت تمدنی را زمین‌گیر کند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۲۴۴-۲۴۳).

تمدن اسلامی ناظر بر پیشرفت و ترقی انسانیت در عرصه‌های مختلف است (الصدر، ۱۴۳۴: ۴۵) و تحقق شعارها و آرمان‌های دینی در گرو ایجاد تمدن اسلامی است و این تمدن نیز به‌نوبه‌ی خود مبتنی

بر فراگیری و جامعیت دین بر روابط فردی و اجتماعی است (رضایی، ۱۳۹۱: ۲۷) به‌عنوان اصل متدولوژیک در ماهیت تمدن اسلامی، اعتقاد بر این است که خداوند مردم را ترک نمی‌کند و حتی پیامبرانی از میان خودشان برای آنها می‌فرستد تا به آنها آموزش بدهند که هیچ مبعودی جز خدا نیست و از این طریق، آنها را به پرستش و خدمت به الله سوق می‌دهد (Farugi, 2013: 11). در همین راستا، إسماعیل فاروقی در کتاب «التوحید: جواهر الحضارة الإسلامية» تأکید می‌کند؛ «شکی نیست که ماهیت تمدن اسلامی، اسلام است و ماهیت اسلام، یکپارچگی و توحید است؛ یعنی ایمان خالص و عمیق که الله خدای انسان است؛ یک خالق متعال و پروردگار همه موجودات» (الفاروقی، ۱۴۳۶: ۹).

از منظر امام خمینی (ره) تمدن، نوعی نظم ویژه‌ای است که بر مجموع نهادهای اجتماعی با توجه به شرایط جغرافیایی، سایه افکنده است که موجب رشد و پیشرفت همه‌جانبه می‌گردد. در واقع احیای تمدن اسلامی یکی از اندیشه‌های مترقیانه امام خمینی (ره) بود که انقلاب اسلامی را مقدمه این نوزایی اسلامی می‌دانست. از دیدگاه وی، تمدن همان پیشرفت و ترقی است و شاخص‌های تمدن اسلامی عبارتند از: مذهب، قانون، آزادی، استقلال و تقسیم کار اجتماعی (ضمیری، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۵).

با الهام از آموزه‌های اسلامی، جامعه متمدن اسلامی دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

**الف. اعتقادی:** اندیشه الهی بر جامعه حاکم است؛ وحی یکی از منابع مهم معرفتی به‌شمار می‌رود. در همین زمینه، عقل نیز جایگاه شایسته‌ای دارد؛ هم فراتر از وحی دانستن آن مردود است و هم نادیده گرفتن کلی آن؛ چنان‌که اهتمام به سطحی از عقل و غفلت از سایر سطوح آن نیز پذیرفته نیست.

**ب. رفتاری؛** در جامعه متمدن اسلامی مردمانی زندگی می‌کنند که برخی از ویژگی‌های آنان عبارتند از: وظیفه‌شناسی، پرکاری، مسئولیت‌پذیری، همکاری و رقابت در امور خیر. به‌طور کلی، فضایل اخلاقی بر جامعه حاکم است.

**پ. امکانات رفاهی؛** کلیه افراد جامعه از رفاه نسبی برخوردارند. توزیع ثروت به‌صورت عادلانه و بر اساس لیاقت‌هاست. «لکي لا يثون دولق بيّن الیغنیاء من لکم» (حشر/۷) مالکیت خصوصی در چارچوب مقررات شرعی محترم است، اما سرمایه، ملاک برتری و احراز مناصب نیست.

**ت. نظام سیاسی؛** در جامعه متمدن اسلامی نظامی حاکم است که مهم‌ترین ویژگی آن الهی بودن آن است. کارگزاران خود را خدمتگزار مردم می‌دانند؛ از استبداد و خودرأیی ابا دارند؛ نگاه آنان به قدرت، نگاه امانتی است نه نگاه طعمه‌ای. قدرت را وسیله خدمت می‌دانند نه وسیله جلب منافع شخصی (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۹).

با این اوصاف، تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی



این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). مطابق دیدگاه‌های فوق ویژگی تمدن اسلامی را می‌توان در قالب موارد ذیل برشمرد:

- (۱) تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر(ص) پایه‌ریزی شده است.
- (۲) تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود.
- (۳) از آنجایی که تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است.
- (۴) به‌طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر(ص) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۸۸-۹۲).

#### اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» در گفتمان انقلاب اسلامی

تمدن نوین اسلامی اصطلاحی است که در کلام و اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، ظهور و بروز یافته است. از دیدگاه ایشان، تمدن نوین اسلامی پیشرفت همه‌جانبه‌ای است که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بُعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند. نوین بودن تمدن اسلامی، حاکی از نوعی غیریت با تمدن‌های گذشته و کنونی است که اغلب مراد از این تغایر، غیریت با تمدن پیشین اسلامی و تمدن غالب موجود، یعنی تمدن غرب است. البته تغایر تمدن نوین به سبب وصف اسلامیت که منجر به اختلاف در مبانی و غایات با تمدن غرب می‌شود در نهایت به تقابل در اندیشه و نظر با آن تمدن می‌انجامد (زمانی محجوب، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

تمدن اسلامی در تعریف آیت‌الله خامنه‌ای «آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

#### ویژگی‌های اصلی تمدن نوین اسلامی

- تمدن نوین اسلامی، دین بنیاد و حق‌گراست. اگر حقیقت اسلام را از این تمدن بگیریم، این تمدن پوچ خواهد بود.
- عدالت و ظلم‌ستیزی، ستون اصلی تمدن نوین اسلامی است.
- امام محور است. در چنین تمدنی، امام معصوم(ع) و در غیاب امام معصوم(ع)، ولی فقیه، ارائه طریق و ایصال به مطلوب را بر عهده دارد. بلکه تحقق دین و عدالت، در گرو وجود امامت است.
- آزادی زاست. به‌بیان دیگر، به بسط و تعمیق آزادی حقیقی کمک می‌کند و با استبداد و خودکامگی در تعارض است.

- مردم‌نهاد است و نه حکومت نهاد. البته دولت‌ها در شکل‌گیری حکومت نقش مهمی دارند، ولیکن در تمدن نوین اسلامی، فراتر از نخبگان، آحاد مردم از نقشی هوشمند برخوردارند.
- فرایندی و تدریجی است و نه پروژه‌ای و دفعتی.
- تمدن نوین اسلامی، علم‌گراست.
- فقر ستیز است، به این معنا که درصدد پیشگیری و ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است، مواجهه تمدن نوین اسلامی با فقر، مواجهه پیشگیرانه و نه درمانی است.
- خلاق و نوآور است. منظور نوآوری در ادبیات، در روش، در ابزار، در فناوری و غیره.
- طبیعت دوست است، یعنی ستیزی با طبیعت ندارد و طبیعت را قربانی فقرزدایی و رفاه جامعه نمی‌کند.
- تعالی خواه است. یعنی کمال‌جوست و کمال بشر را در اعتلای حقیقت و روح انسان جستجو می‌کند.
- انسان‌ساز است، به این معنا که تمدن نوین اسلامی به دنبال شکوفاسازی جوهر وجودی انسان است و با جریان مسخ انسان در تمدن غرب در تعارض است. بنابراین، این تمدن به دنبال پرورش انسان‌های متعالی است.
- گسترش‌یابنده و جهانی است و عامل این گسترش، نه زور است و نه اقتصاد، بلکه عقل فطری و جذابیت‌های منحصر به فرد اسلام است.
- آرامش‌بخش است؛ یعنی آلام بشری را کاهش می‌دهد و به بسط و تعمیق صلح پایدار کمک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۵: ۱-۲)

#### فرآیند ظهور تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای تمدن نوین اسلامی نیازمند مراحل ذیل است:

#### الف- انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و روندها را برای ظهور تمدن نوین اسلامی با محوریت ارزش‌های اسلامی فراهم کرد. اگر انقلاب اسلامی به‌عنوان مقدمه‌ی ظهور تمدن نوین اسلامی تجلی پیدا نمی‌کرد، مبدأ و امیدی برای ظهور تمدن نوین اسلامی نبود. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای اولین گام در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ایجاد یک انقلاب حقیقی و به معنای واقعی کلمه اسلامی هست که نتیجه‌ی شناخت مردم یک جامعه از شرایط زمانشان و عدم تحمل آن شرایط است. ایشان بیان می‌دارد «منظور ما از انقلاب اسلامی یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند» (بیانات رهبری، ۹۰/۷/۲۴).

### ب- جمهوری اسلامی

مرحله‌ی تثبیت انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی است که با رأی اکثریت ملت با مبانی اسلامی به‌وجود آمد. مرحله‌ی بعد در تحقق تمدن اسلامی ایجاد نظام اسلامی است که آیت‌الله خامنه‌ای تحقق آن را به دنبال تمدن اسلامی ضروری دانسته و تفاوت اساسی انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های ناکام جهان را در همین اصل نظام اسلامی می‌داند (حسینائی، ۱۳۹۴: ۶۲۶). نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود» (بیانات رهبری، ۸۰/۹/۲۱).

### پ- دولت اسلامی

جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در مرحله‌ی دولت اسلامی است، در حلقه‌ی تمدن نوین اسلامی دو روند انقلاب و جمهوری با پایه‌های اسلامی شکل گرفته و مستحکم شده است و الان در وضعیت دولت اسلامی قرار دارد.

سومین مرحله در تحقق تمدن نوین اسلامی ایجاد دولت اسلامی است «دولت اسلامی یعنی همه‌ی کارگزاران نظام اسلامی باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و فردی رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مد نگاه خودشان قرار دهند و به‌سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند» (بیانات رهبری، ۸۴/۵/۲۸).

### ت- جامعه‌ی اسلامی

بعد از آن که دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق بخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند (حسینائی، ۱۳۹۴: ۶۲۹). لذا کلید تحقق جامعه‌ی اسلامی، در گرو ظهور دولت اسلامی است، که در بیانات مقام رهبری بارها مورد توجه قرار گرفته شده است. در بیان آیت‌الله خامنه‌ای «جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ای است که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند» (بیانات معظم له، ۹۰/۷/۲۴).

### ث- تمدن نوین اسلامی

آخرین حلقه در تمدن نوین اسلامی، ظهور و تجلی تمدن نوین اسلامی است. وقتی چهار محور با مبانی و ارزش‌های اسلامی تجلی پیدا کرد، تمدن نوین اسلامی به عرصه‌ی ظهور می‌رسد و در نظام هستی تالو می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از مردم و مسئولان نظام و مهمانان اجلاس وحدت اسلامی در رابطه با مفهوم تمدن اسلامی بیان می‌دارد «تمدن نوین اسلامی به معنای تجاوز به سرزمین‌ها، پایمال کردن حقوق انسان‌ها و تحمیل کردن اخلاق و فرهنگ خود به ملت‌ها، نظیر آن چیزی نیست که تمدن غربی انجام داد بلکه به معنای هدیه کردن فضیلت الهی به بشریت و ایجاد زمینه برای تشخیص مسیر صحیح به‌وسیله خود انسان‌ها است» (بیانات رهبری، ۹۴/۱۰/۸).

### مؤلفه‌های فرهنگی تمدن‌ساز در حکومت اسلامی

امروزه فرهنگ و تمدن، مهم‌ترین عاملی است که به ملل جهان هویت می‌بخشد. از این‌رو اکثر ملت‌ها در صدد بازسازی تعلقات تمدنی خود برآمده‌اند. کشورهای اسلامی نیز از شمول این قاعده بیرون نیستند و در پی ساختن تمدن اسلامی هستند (زمانی محجوب، ۱۳۹۰: ۱۱۸). تمدن اسلامی با بعثت پیامبر آغاز شد و با دست آوردهای مختلفی که در زمینه‌های مختلف حاصل شد، توانست جایگاه والایی را به خود اختصاص دهد، اما به‌مرور زمان و با گذشت چندین قرن دچار رکود شد. آنچه تمدن اسلامی را به پیشرفت رساند، توجه به تمام جنبه‌های مادی و معنوی بشر بود که به‌مرور زمان رنگ باخت و ضربه بزرگی بر پیکره تمدن اسلامی وارد ساخت. نیازهای حقیقی انسان نظیر سعادت، امنیت و آرامش روانی و معنوی حلقه‌های مفقود در زندگی انسان‌هایی است که در دنیای امروز به سر می‌برند. در واقع انسان نیاز به تمدنی دارد که در سایه آن همه نیازهای مادی و معنوی او برآورده شود. آیت‌الله خامنه‌ای از جمله شخصیت‌هایی است که در محافل مختلف به راهکارهای ناآل آمدن به تمدن نوین اسلامی اشاره کرده است (اشکوری و همکار، ۱۳۹۴: ۳). مؤلفه‌های فرهنگی تمدن‌ساز را می‌توان در دو بُعد نظری و عملی تقسیم‌بندی کرد که در فرایند شکل‌گیری و صیانت از تمدن نوین اسلامی، توجه به این مؤلفه‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب زیرساخت‌های فرهنگی تمدن‌ساز حکومت اسلامی می‌توان مؤلفه‌های ذیل را مورد توجه قرار داد:

#### بعد نظری

##### اخلاق‌مداری

اخلاق، جمع خُلق به معنی نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با چشم بصیرت و غیرآشکار قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه‌ی تحصیل این صفات پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد را نشان می‌دهد. قرآن مسئله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند. اخلاق، مهم‌ترین شاخص‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۹۶). ایشان معتقد است «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند. اخلاق که نبود، بی‌اخلاقی وقتی حاکم شد، حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر وارد شد- وقتی این ردائل اخلاقی به میان آمد- زندگی سخت خواهد شد؛ فضا تنگ خواهد شد؛ قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد. لذا در قرآن کریم در چند جا- «ی‌زکی‌هم و ی‌عمل‌هم الکتاب و الحکم»- تزکیه که همان رشد اخلاقی دادن است، جلوتر از تعلیم آمده است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۴/۸۸).

اخلاق یکی از مهم‌ترین محورها و پایه‌ها برای رسیدن به تمدن‌سازی مطلوب است. زمانی که اخلاق در فرآیند تمدن‌سازی حاکم باشد انسان درون این فرآیند اخلاقی بوده و متناسب با این امر زندگی انسان نیز اخلاقی می‌شود. نقش اخلاق را نباید نادیده گرفت. چرا که توجه به آن سبب خواهد شد تا تمدن‌سازان در گام‌های نخستین حرکت خود از سقوط و سراشیبی و پرتگاه‌های مسیر دشوار خود در امان بمانند (غلام جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۴).

به‌طور کلی اسلام به دنبال اخلاق است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: *إنما بعثت لأتهم مكارم الأخلاق*<sup>۱</sup> (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸). در واقع بعثت پیامبر برای این بود که اخلاق را در انسان به اعلاء درجه برساند. انسانی که محور وجودش اخلاق باشد و مبانی فکری و عملش بر اساس اخلاقیات باشد همین موجود خلیفة‌اللهی در صورتی که روی به تمدن‌سازی بی‌آورد تمدنی اخلاقی را شکل خواهد داد؛ چیزی که در فرهنگ غرب حاصل نگردید. در فرهنگ غرب، تمدنی با محوریت مادی شکل گرفت، ولی بُعد معنوی که اخلاق ناشی از آن است زیر پا گذاشته شد. در این تمدن آزادی شکل گرفت، ولی آزادی با این مضمون که هرکس آزاد است تا جایی که آزادی دیگران را نقض نکند. تمدن نوین اسلامی اساس تصمیمات جامعه‌ی دینی را بر پایه‌ی نهادینه‌سازی اخلاق اسلامی مطابق با نیازهای جامعه دینی، تقویت اصول و هنجارهای جهان‌شمول و ارتقای جایگاه اخلاق و معنویت‌گرایی قرار می‌دهد و برای برقراری نظام جهانی نیز خواستار تکامل روحی و معنوی با تکیه بر دستاوردهای اخلاقی نظام اعتقادی اسلام است. پرهیز از بی‌حرمتی به معتقدات پیروان ادیان الهی، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق گفت‌وگوی منطقی و اخلاقی با تکیه بر روح برادری و حقیقت‌جویی، اجتناب از هرگونه هیاهو و ایجاد رعب و وحشت، احترام به حقوق و کرامت بشری، اهتمام به همکاری و همیاری و رواداری و تقوایی و نیز توصیه به حق و صبر و دوری از تفرقه و کشمکش می‌تواند آینده‌ای امیدبخش را بر اساس شیوه‌های اخلاقی نوید بخشد. به‌علاوه، تبیین جهان‌شمولی ارزش‌های معنوی اسلام می‌تواند فرصتی جدید برای ارائه چشم‌اندازی اخلاقی به جامعه جهانی از سوی تمدن نوین اسلامی به شمار آید. می‌توان ادعان داشت که تمدن نوین اسلامی بر نقش‌آفرینی نوعی اخلاق جهانی و فراگیر استوار است که زبان مشترک ادیان الهی به‌شمار می‌آید و این رویکرد می‌تواند عامل وحدت‌بخش همه انسان‌ها به‌ویژه دین‌مداران باشد. اخلاق از آنجا که سلامت زندگی فردی و استقرار و دوام زندگی اجتماعی بشر را سامان می‌دهد، اجماعی بنیانی را بر پایه‌ی ارزش‌های الزام‌آور تحقق می‌بخشد. زیرا بر فرازمانی و فرامکانی و فرانژادی بودن آموزه‌ها و ایده‌های جهانی و ارزش‌های اخلاقی اسلام استوار است. به‌عبارت دیگر، اسلام با ارائه الگوهای کامل تربیتی و جامع‌نگری درباره ابعاد و شئون انسان، منظومه‌ای اخلاقی را عرضه می‌دارد که پاسخ‌گوی شئون حیات بشری و حل معضلات معنوی آن است (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۷).

۱. به‌راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم.

آیت‌الله خامنه‌ای، معنویت و اخلاق را عامل اصلی تمدن‌سازی جهانی می‌داند و این تمدن تأسیسی اسلام، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید. در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آید. ایشان قرن حاضر را قرن اسلام و معنویت برشمردند: «اسلام، عقلانیت و معنویت و عدالت را همراه یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد و تعالیم پروردگار بر اسلام عقلانیت و تفکر و تدبیر، اسلام توکل بر خدا، اسلام جهاد و اسلام کار و اقدام، تأکید می‌نماید» (رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰). ایشان در جایی دیگر بیان می‌دارد: «اگر ملت‌های اسلامی بتوانند تمدن مبتنی بر وحی الهی و معنویت و اخلاق را پایه‌گذاری کنند، بشر سعادت‌مند خواهد شد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۷/۳۱). آنچه از اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای برداشت می‌گردد این‌که چنانچه جوامع اسلامی در صدد پیشرفت و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی هستند لازم است عقلانیت و معنویت را به صورت توأمان به کار بگیرند. در غیر این صورت تمدنی هم اگر حاصل گردد مانند تمدن غربی خواهد بود که به صورت تک‌بعدی عقلانی است و معنویت در آن جایی ندارد. در چنین جامعه‌ای ممکن است از لحاظ مادی توفیقاتی حاصل شود ولی در بُعد اخلاقی و معنوی جامعه در مسیر انحطاط قرار می‌گیرد.

#### اجتناب از سکولاریسم

بر اساس مبانی سکولاریسم، اعتقاد و سیاست و امور اجتماعی حوزه‌ای خاص از رفتارهای انسانی و اجتماعی است که هر یک علم خاص خود را دارند. بنابراین در این‌گونه امور نباید به دخالت دین و اصول دینی اندیشید. بلکه عالمان هر حوزه باید به طراحی برنامه‌های خود بر مبنای اصول علمی که فراگرفته پیردازند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۲۰۶). ترویج و شیوع اندیشه‌ی سکولاریسم برای انقلابی که با رویکرد یکسان‌انگاری دین و سیاست شکل گرفته و جوهره و درون‌مایه‌ی آن را ظهور سیاست از ذات دین تشکیل می‌دهد، سم هلاک‌کننده‌ای است که به پایه‌های آن آسیب جدی و جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. ساده‌ترین و بهترین وضعیت برای یک جامعه‌ی دینی پذیرش این نکته است که دین و سیاست را دو مقوله‌ی یکسان بدانند (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۹۸).

در صورتی که سکولاریسم در مبانی اسلامی وارد شود، مرحله‌ی اول زنجیره‌ی بحث تمدن‌سازی نوین اسلامی آسیب خواهد دید. انقلاب اسلامی ایران بر اساس دین اسلام و ارزش‌های الهی شکل گرفت و ادامه‌ی روند این انقلاب در تمامی ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی بر اساس دین اسلام بوده است. در صورت رخنه‌کردن سکولاریسم در مبانی اسلامی، استحاله‌ی فرهنگی حاصل خواهد شد؛ یعنی جمهوری اسلامی به همان شکل ظاهری خود باقی می‌ماند، ولی مبانی اسلامی در فرایند سیاسی و اقتصادی بی‌تأثیر خواهد بود. ایشان از این پدیده به‌عنوان سطحی‌نگری و رسوخ اندیشه پنهان جدایی دین از امور مدنی یاد می‌کنند: «مراقب باشیم دچار سطحی‌گری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تحجر نشویم، دچار سکولاریسم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف،

حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدایی دین از زندگی است؛ آنچه بر زبان جاری می‌شود، در برنامه‌ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). لذا نه تنها زنجیره‌ی اول شکل‌گیری تمدن‌سازی اسلامی دیگر بی‌معنی می‌شود بلکه با استحاله شدن حلقه‌ی دوم از زنجیره‌ی تمدن‌سازی نوین دینی، دیگر امیدی به شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین اسلامی نخواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با افرادی که خواهان روش سکولاریسم در مبانی اداری کشور بودند بیان می‌دارد «آن کسانی که سعی کردند اسلام را از مسائل اجتماعی و از مسائل سیاسی برکنار بدارند و آن را منحصر کنند به مسائل شخصی و مسائل خصوصی زندگی افراد و در واقع نگاه سکولار به اسلام داشته جوابشان مسئله‌ی غدیر است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۰۷/۲۱). تمدن غربی، محور وجودی خودش را بر سکولاریسم بنا نهاده است. کشورهای غربی دین را مقوله‌ی فردی و شخصی می‌دانستند که صرفاً ارتباطی بین خود شخص و خداست و برای دین در فرآیند تحولات سیاسی جایگاهی قائل نبودند. تنها روش برای مدیریت جوامع روش جدایی مبانی دینی و سیاسی است و این آسیبی جدی در برابر تمدن‌سازی نوین اسلامی است، تمدن‌سازی اسلامی بر روی ریل‌های ارزش‌های اسلامی است که نیازمند شکل‌دهی است، ولی اگر این ریل‌ها عوض شوند و مبنا و ارزش‌ها محور تمدن‌سازی قرار نگیرد، دیگر تمدن‌سازی اسلامی بی‌معنا خواهد شد، هدف مبانی غربی و نظام استکباری همین است. زنجیره پنج مرحله‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای برای شکل‌گیری تمدن‌سازی اسلامی بیان کردند، زمانی حلقه‌های آن یکی پس از دیگری شکل خواهد گرفت، که مبنا اسلام و ارزش‌های اسلامی باشد. لذا اگر خللی در این مسیر چهارگانه که سیر به سمت تمدن نوین اسلامی دارند ایجاد شود، تمدن نوین اسلامی با محوریت و رکن اخلاق تحقق پیدا نخواهد کرد.

### ایجاد خودباوری

از دیگر مؤلفه‌های فرهنگی تمدن‌ساز، ایجاد خودباوری و اجتناب از خودبیگانگی است. اعتماد و اتکاء به نفس در عرصه‌ی تلاش علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ترسیم‌کننده خط و جهت اصلی است. به عبارتی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین ابزارهای نوسازی تمدن اسلامی، عوامل روانی است. تمدن اسلامی اگر در صدد اوج گرفتن و تعالی است باید به خودباوری برسد. به بیان دیگر، مسلمانان باید به این باور و یقین برسند که توسعه‌یافتگی و عقب‌ماندگی، ذاتی نیست و می‌توان آن را تغییر داد و باید این کار را عملی کرد (رجبی دوانی و همکار، ۱۳۹۴: ۲۱۹). احساس هویت و خودباوری، به معنای اتکای به ارزش‌های اصیل الهی و ارزش‌های خودی است. خودباوری، در تقابل با مسیری است که دشمنان برای منحل کردن تمدن دینی، پی‌گرفته‌اند و آن، مقابله در برابر تحقیر، فریفتگی و انحلال امت اسلامی است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۴: ۱۳۱). در واقع برای انجام هر فعالیتی، باید در مرحله‌ی اول باور پیدا کنیم که این کار، می‌تواند اعمال شود. اعتقاد داشتن به این که کاری می‌تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن

به حرکت وامی‌دارد. باور داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه‌حل‌های خلاق، هموار می‌سازد. در صورتی که باور به عدم تحقق آنها، تفکری ویرانگر است. باور به اینکه می‌توان تمدن نوینی در جهان اسلام ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود (طوقانی، ۱۳۹۲). در مبانی اعتقادی آیت‌الله خامنه‌ای امید به آینده و باور و یقین دارای جایگاه اساسی است. ایشان با اشاره به نقش خودباوری در شکستن انحصارات سیاسی، اقتصادی، قدرت‌های بزرگ بیان می‌دارد «نباید با نگاه شتاب‌زده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم. بدبینی به توانایی‌های خود، کفران نعمت الهی است. ما می‌توانیم حلقه‌ی انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرت‌های سلطه‌گر را بشکنیم و امت اسلامی را پیشرو احقاق حق اکثریت ملت‌های جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم. تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌ی بشریت هدیه دهد و نقطه‌ی رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی‌گریند، باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹). لذا جهان اسلام باید باور داشته باشد که با اتکا به داشته‌های خود که از ارزش‌ها و مبانی اسلامی نشأت می‌گیرد به بالاترین قله‌های پیشرفت و توسعه می‌تواند دست‌یابد و به تمدن‌سازی نوین اسلامی که مدنظر آیت‌الله خامنه‌ای است دست‌یابد. با اعتقاد ایشان «بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است» (بیانات رهبری، ۸۱/۷/۳).

### پرهیز از تحجر

از تهدیدهای اساسی پیش روی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تحجر و اعمال متحجرانه است. متحجر کسی است که در مقابل نوآوری و تحول انعطاف نشان نمی‌دهد و ضمن پذیرش اندیشه‌های همسو، از پذیرش اندیشه دیگران اجتناب می‌ورزد. تحجر موانع و بازدارنده‌ی جدی نوآوری و شکوفایی در تمدن نوین اسلامی است که باید از آن پرهیز کرد. زیرا تحول در حوزه‌های مختلف زندگی انسان در حال وقوع است (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۹۸). آفت تحجر و قشری‌نگری در تمدن نوین اسلامی در سطح گسترده‌ای مورد توجه آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفته است. ایشان دو عنصر اساسی را در ایجاد تمدن اسلامی، همانند سایر تمدن‌ها لازم و ضروری می‌داند. عنصر اول: تولید فکر و دیگری پرورش انسان. وی ضمن حمایت از طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آن را نیازمند جرعت، شجاعت و انگیزه بسیار بالا می‌داند که در این وادی، فکر و اندیشه، روح حاکم بر حرکت است. در طرحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بر چهار حوزه فکر، علم، معنویت و زندگی باید تأکید شود که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه حوزه‌ها است (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای «خود فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. سیر در اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن کاری است که همگان باید انجام دهند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام شود. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). تمدن اسلامی ضمن



این‌که به ارزش‌های اصیل، اصول کتاب و سنت پایبند است، از تحجر و تعصب نیز به دور است. چنین برداشتی از نوگرایی دقیقاً ملازم دین‌مداری و عقل‌گرایی است (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۱۲). بر اساس مبانی فکری آیت‌الله خامنه‌ای «تجدد و نوگرایی حقیقی و بازکردن میدان‌های تازه زندگی، مطلوب اسلام است. اصلاً اسلام این را از انسان خواسته. این به برکت تأمل، تعمق، کارِ درست، کارِ فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه میدان‌ها و همت را بلندکردن به دست می‌آید» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

به عقیده ایشان «سلفی‌گری، اگر به معنای اصول‌گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غرب‌زدگی باشد، همگی سلفی باشید و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماجت و عقلانیت - که ارکان تفکر اسلامی‌اند- سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریسم و بی‌دینی خواهد شد (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). «آیت‌الله خامنه‌ای نیز معتقد است «هم متحجرین و هم مقدس‌نماها باید مواظب باشند. مبدا گروه اول دچار جمود و تحجر شود. مبدا گروه دوم دچار انحراف و زمینه‌سازی برای دشمن و مخالفان اساس ارزش‌ها شود. اگر دو گروه این توجه را داشته باشند، آن وقت جامعه می‌تواند جامعه‌ای باشد که با همان وحدتی که مورد نظر و لازم است، زندگی خودش را به سمت تکامل و تعالی‌ای که اسلام برای او در نظر گرفته، پیش ببرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۹/۲/۲۳).

#### محوریت بخشی به مبانی قرآنی

بازگشت به اسلام و توجه به اصول و مبانی آن، مهم‌ترین روش و راهبرد نوسازی و بسط تمدن اسلامی است. بنیاد اصلی تمدن اسلامی، اسلامیت آن است و اسلام بن‌مایه شکل‌گیری فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی بوده است. در تقسیم‌بندی ادیان جهان، اسلام در زمره ادیان تمدن‌ساز قرار می‌گیرد. چرا که همه ابزارهای یک تمدن انسانی و سازنده، در آموزه‌های آن گنجانده شده و عرصه ایجاد تمدن در متن آن فراهم شده است. مجموعه تعالیم اسلام درباره نظام اجتماعی، رویکرد تمدنی دارد و رعایت و عمل به آنها منجر به شکل‌گیری تمدن‌سازی اسلامی خواهد شد (زمانی محبوب، ۱۳۹۵: ۱۲۱). در واقع چنانچه جوامع اسلامی تابع اسلام و قرآن باشند به تمدن‌سازی نوین اسلامی نائل می‌گردند. چرا که تمدن اسلامی بر اساس مبانی دینی پایه‌ریزی شده است و در طول تاریخ از زمان پیامبر گرامی اسلام تاکنون بارها دچار ضعف و انحطاط شده است. این ضعف و انحطاط پیامد عدم توجه و گرایش به رهنمودهای قرآنی است (سعادت‌نیا و همکار، ۱۳۹۴: ۱۶۹). مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی ایران را اولین گام تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته و در رابطه با امت قرآن و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فرمودند: «تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است» (رهبر انقلاب در خراسان شمالی، ۹۱/۷/۲۳).

سومین مرحله شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، دولت اسلامی است که از منظر مقام معظم رهبری مبنای شکل‌گیری آن توسل بر قرآن است (بیانات رهبری، ۸۵/۵/۳۱). چهارمین مرحله از مراحل تمدن نوین اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، جامعه‌ی اسلامی است، از منظر ایشان جامعه‌ی اسلامی زمانی محقق می‌شود و مسیر خود را پیدا می‌کند که در مسیر قرآنی باشد: «قرآن را باید با توجه خواند؛ توجه داشته باشیم که صرف تشکیل این اصوات مطلوب نیست؛ با توجه به معانی، با توجه به مرادفات قرآنی باید قرآن را خواند؛ اگر این شد، آن وقت جامعه‌ی اسلامی راه خودش را پیدا می‌کند» (بیانات در محفل انس با قرآن، ۹۳/۴/۸).

قرآن کریم، اسلام را دین کامل و جامع و تنها دین برگزیده خداوند معرفی می‌کند؛ دینی غیر از اسلام را بر نمی‌تابد. اسلام دین سیاست و حکومت است. دینی که زندگی بشر را بر اساس یک برنامه الهی تنظیم می‌کند؛ مشیت‌الهی در همه امور از قبیل سیاست، اقتصاد، امور اجتماعی و فکری، اخلاقی، هنری و دیگر مظاهر تمدن، موضوعیت دارد. اراده خداوند بر حاکمیت جهانی اسلام است؛ هر چند دشمنان برای نابودی آن متوسل به مکر و حيله شوند. خدایی که مدیر و مدبر جهان است و اراده او بالاتر از همه اراده‌هاست (سلیمی، ۱۳۹۱: ۱-۲). مسلمانان لازم است زندگی فردی و اجتماعی خودشان را منطبق بر موازین قرآنی کنند تا به تمدن‌سازی نوین اسلامی نائل آیند. در تمدن‌سازی نوین اسلامی، محور، ارزش‌های قرآنی است. تاریخ بیانگر این است که در هر زمانی که مسلمانان متکی به فرامین قرآنی و مبنای اسلامی بوده‌اند به پیشرفت و توسعه رسیده‌اند اما زمانی که از ارزش‌های قرآنی غفلت کردند و برخلاف مبنای اسلامی عمل کردند دچار ذلت و حقارت شدند.

#### متناسب‌سازی احکام فقهی با نیازهای نوین بشر

مکتب اسلام که تحت عنوان دین خاتم معرفی شده است باید برای هر مسئله جدیدی که در تمدن نوین اسلامی مرتبط با نیازهای بشر مطرح می‌شود راهکار داشته باشد و این امر به جامعیت قوانین اسلام باز می‌گردد (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۱۰۴). مسائل جدیدی که در جامعه به وجود می‌آید نیاز به احکام جدید دارند و این امر باعث می‌شود که احکام جدیدی با توجه با نیازهای جامعه صادر گردد. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است «روزی که در جامعه و کشور ما صد نفر، پانصد نفر، هزار نفر شخصیت روحانی مانند امام وجود داشته باشند، شما ببینید چه حرکت عظیمی در این جامعه به وجود خواهد آمد. وقتی در جامعه ما صدها نفر شخصیت دارای دانش دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی در فلسفه و کلام و فلسفه جدید و محاجه با شبهه افکنان وجود داشته باشند ببینید چه اتفاق عظیمی در جامعه می‌افتد. وقتی به‌وسیله همین مجموعه، هزاران کتاب، مجله و مقاله‌های علمی در سطح دنیا با زبان‌های مختلف منتشر شود شما ببینید چه خورشید فروزانی از این نقطه عالم بر همه فضای فکری جهان بشری پرتو خواهد افکند. تحقق همه این امور میسر است» (بیانات رهبری، ۸۵/۳/۲۲).

پس با عنایت بر بیانات مقام معظم رهبری از مهمترین مؤلفه‌های فرهنگی که در ظهور تمدن نوین اسلامی نقش دارد، تناسب احکام با نیازهای زمانه است. اگر ثبات باشد و نیازهای روز توسط احکام پاسخ دهی نشود، حکومت اسلامی در معرض بحران قرار می‌گیرد. در چنین روندی نه تنها تمدن نوین اسلامی شکل نمی‌گیرد، بلکه خود ذات حکومت اسلامی هم در معرض سقوط و انحطاط خواهد بود.

### توحید گرایی

اصل توحید، اساس آئین اسلام، جامعه و تمدن اسلامی و منشأ احکام شریعت است. بر همین اساس توحید محوری و گرایش به وحدت مبتنی بر توحید، رکن و مبنای اصلی اندیشه‌ورزی اندیشمندان اسلامی و بن‌مایه شکل‌گیری تمدن اسلامی است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۹). در واقع توحیدگرایی الزامات معرفتی، ارزشی و رفتاری افراد را در روند تصمیم‌گیری در عرصه اجتماع فراهم می‌سازد. تمدن‌سازی مانند هر سازه و یا سیستم مادی و معنوی دیگر، محتاج مصالح و مواد اولیه مناسب می‌باشد. مواد اولیه تمدن‌سازی دینی نیز مفاهیم، علوم و معارف قرآنی هستند و حفظ صبغه‌ی الهی و دینی در تمام فرآیندهای تمدنی ناظر بر انسان‌سازی است که خروجی آن پرورش امت الهی است (فرمپینی فراهانی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). از عواملی که باعث می‌شود تا شاخص‌های شکل‌دهنده‌ی تمدن‌سازی نوین مورد صیانت قرار بگیرند، توحید محوری است. آیت‌الله خامنه‌ای توحید و ایمان به خدای یگانه را یکی از شاخص‌های اصلی تمدن‌سازی اسلامی دانسته و در این باره بیان می‌دارد «تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌ی بشریت هدیه دهد و نقطه‌ی رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد» (بیانات رهبری، ۹۲/۲/۹).

### بعد عملی

#### اخلاص در عمل

عملی مورد عنایت و مطلوب است که در آن درجه‌ی بالایی از اخلاص باشد و فرد، کار را برای رضای خدا انجام دهد. کاری که برای خدا انجام شود ماندگار است و ارزشمند تلقی می‌گردد. به عبارتی ارزش کار به میزان خالص بودن آن است. در آئین اسلام صرف تلاش و اعمال نیکو برای رشد و تعالی کافی نیست، بلکه علاوه بر نیکویی و حسن عمل، نیت نیکو و خالصانه نیز باید داشت که ما بدان امر شده‌ایم (ملایی، ۱۳۹۴: ۷۶). در محضر الهی، کاری مقبولیت دارد که خالص و برای خدا انجام شود، در آیه‌ی ۱۱ زمر آمده است «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر، ۱۱) «بگو: «من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم».

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن عنایت به اصل عمل جهادی در مسیر تحقق تمدن اسلامی، از رویکرد خالصانه آن نیز غفلت ننموده و بیان می‌دارد «اسلام یک درس را به مسلمین تعلیم کرد و آن درس، هر روز که در بین مسلمین باشد نتیجه‌اش درخشش و تَلألُؤ و علو معنوی و مادی است. آن درس، درس مجاهدت

خالصانه و مخلصانه است. مجاهدت خالصانه و مخلصانه، ممکن است برای خدا انجام گیرد، ممکن هم هست برای غیر خدا انجام گیرد. اگر برای خدا انجام گرفت، همیشگی، ماندگار و زایل ناشدنی است. اما اگر برای غیر خدا انجام گرفت ماندگار نیست. هر قدر دقت عقلانی انسان بیشتر شد، مجاهدتش بیشتر خواهد شد. برای اینکه می‌داند «ما عن دكلم ینفد و ما عن دلله باق»؛ آنچه برای خدا دادیم می‌ماند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

از مهم‌ترین اصول اساسی برای نیل به هر امری اخلاص در انجام آن است، برای ظهور عملی چون تمدن نوین اسلامی هم نیاز به اخلاص است: «اگر چنانچه ما صادقانه عمل کردیم، خدای متعال به ما کمک خواهد کرد و آنچه که صلاح و خیر است، به ما خواهد داد» (بیانات رهبری، ۹۲/۳/۸).

انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (به‌عنوان اولین پایه‌ی ظهور تمدن نوین اسلامی) زمانی تجلی پیدا کرد که اخلاص در آن حاکم شد و مردم و مسئولین با اخلاص وارد عرصه شدند و پیروزی حاصل شد: «اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه‌ی مشکلات را حل می‌کند. انقلاب هم همین جور پیروز شد» (بیانات رهبری، ۹۱/۳/۲۴).

بنابراین می‌توان گفت در فرایند تمدن نوین اسلامی یکی از محورهای شکل‌گیری و ماندگاری این تمدن این است که انسان و جامعه‌ی اسلامی کارهایش را خالصانه برای خدا انجام دهد.

### مجاهدت انقلابی

کار و تلاش در فرآیند شکل‌گیری و پویایی و توسعه‌ی تمدن، نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. در مبانی اسلامی هم به‌صورت مبسوط به این محور حیاتی توجه گسترده‌ای شده است (غلام جمشیدی، ۱۳۹۰: ۶۵). پس از عنصر امید، جهاد و تلاش، مقدمه لازم دیگری در روند دستیابی به تمدن اسلامی است. زیرا سنت الهی در دنیا بر این امر قرار گرفته است که «لیس ال أنسان الا ما سعی» برای انسان جز حاصل تلاش او نیست (نجم/۳۹) و با کسالت و تنبلی نمی‌توان به مقصود رسید (ملایی، ۱۳۹۴: ۷۴). آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در خصوص تأثیر تلاش و مجاهدت در امر تمدن‌سازی عنوان می‌دارد «من در این مجلس سنگین و مهم که شخصیت‌های مهم و بزرگی در این مجلس حضور دارند می‌خواهم این را بگویم که امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدّانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۸). ایشان همچنین معتقد است «جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم ایجاد شده است» (بیانات رهبری، ۹۲/۲/۱۱).

به‌عبارت دیگر تلاش و کوشش از ویژگی‌های اساسی در همه حرکت‌های تمدنی است (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۱۲)؛ و پایه‌گذاری، تکوین و سیر گسترش تمدن‌ها تنها در سایه‌ی تلاش مستمر انسان‌ها امکان‌پذیر

است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد عنایت تام قرار گرفته و از آن تحت عنوان «مجاهدت» یاد شده است که تأثیری عظیم در رشد و تداوم تمدن اسلامی دارد. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۹۷). بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مجاهد یکی از ارکان اساسی شکل‌گیری و ظهور تمدن اسلامی است. ایشان با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را به مجاهدت و روحیه‌ی جهادی تشویق می‌کند.

### توجه جدی به جوانان

برای ساختن تمدنی بزرگ علاوه بر جنبه‌های نظری آن، نیازمند افرادی توانا در این زمینه هستیم. افرادی که در عین باور به استعدادها و امید به ایجاد تمدن اسلامی، جرعت و شجاعت ورود به این کار را داشته باشند. در میان نیروهای انسانی نیز جوانان هر کشور با ویژگی‌های برجسته شور و نشاط و قدرت جوانی و روحیه جسارت، بهترین گزینه برای انجام همه‌ی کارهای بزرگ و از جمله تمدن‌سازی هستند (ملایی، ۱۳۹۴: ۸۱).

در مبانی اندیشه‌ای آیت‌الله خامنه‌ای محور حرکت و تحرک جامعه بر عهده‌ی طیف جوان است. سازندگی و اصلاح رویکردهای مختلف کشوری بر دوش جوانان است، چون از کارآمدی بالاتری برخوردار بوده و آماده‌ی عمل به تکلیف هستند: «جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی مدنظر باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگران‌اند و دست آنها کارآمدتر از دست دیگران است» (سخنرانی رهبری، ۱۳۷۰/۸/۱۵).

ایشان در فرآیند شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین اسلامی جوانان را دعوت به آمادگی کامل برای نقش آفرینی در این عرصه می‌نماید: «ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم (ارواحنافداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این هدف را قرار دهند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۵/۲۹). توجه گسترده به نقش جوانان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از آیت‌الله خامنه‌ای دلالت بر جایگاه ویژه جوانان در ساخت تمدن نوین اسلامی داشته و همه افرادی که دغدغه تمدن‌سازی دارند باید در قبال این طیف احساس مسئولیت کرده و برای آنها برنامه‌ریزی دقیقی در جهت رسیدن به این هدف و آرمان متعالی داشته باشند (ملایی، ۱۳۹۴: ۸۲).

### نقش محوری مساجد

مهم‌ترین رکن برای تقویت و صیانت از شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده‌ی تمدن نوین اسلامی، وجود پایگاه مستحکمی همچون مسجد است. در مسجد می‌توان بر نیروهای متعهد تمرکز نمود. با وجود نیروی

انسانی و متخصص است که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌سازی فراهم می‌گردد. مساجد، نخستین مکان‌ها برای انتشار علم، فرهنگ و تمدن در جهان اسلامی بودند و فراگیری و آموزش علوم روز در مساجد صورت می‌پذیرفت. مساجد مدرسه‌هایی بودند که دانشمندی بزرگی را در دامن خود تربیت نمود. مسجد در درون خودش به تصفیه‌ی انسان می‌پردازد و نیروهای مخلصی را تحویل جامعه می‌دهد و در سایه‌ی نیروهای تربیت شده در مساجد که متعهد در عملکرد خودشان هستند، تمدن‌سازی ریشه دوانی می‌کند و به عرصه‌ی ظهور می‌رسد. مقام معظم رهبری در رابطه با نقش مسجد در فرآیند اجتماعی و فردی فرمودند: «بنابراین مسجد، هم‌مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست» (بیانات رهبری، ۱۹/۱۰/۷۵).

از دیدگاه مقام معظم رهبری مسجد پایگاه بوده و زمینه‌ساز ایجاد تمدن اسلامی می‌باشد، ایشان می‌فرمایند: «بنابراین مسجد اهمیت دارد، پایگاه است؛ همچنان که معروف شده در زبان‌ها واقعاً پایگاه است. نه فقط پایگاه برای فلان مسئله‌ی اجتماعی، [بلکه] مسجد می‌تواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد؛ و هَلُمَّ جَرًّا. مسجد یک چنین جایگاهی است» (بیانات رهبری، ۳۱/۵/۹۵).

#### تمرکز بر وحدت‌گرایی

جدا از اختلافات مذهبی بین مسلمانان، در هر یک از کشورهای مسلمان، گروه‌های قومی متفاوتی وجود دارد که بعضاً قومیت خود را به شکل متعصبانه قبول داشته و حاضر نیستند از اصول خود برای تحقق یک تمدن مشترک کوتاه ببینند. هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدأ واحدی هدایت و رهبری گردد (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). از مهم‌ترین عوامل سازنده‌ی تمدن‌سازی، وحدت است، جامعه‌ای که در آن وحدت نباشد و هر قوم و طایفه بر اساس طرز فکری خودش عمل کند و در ذیل یک رهبری واحد قرار نگیرد تمدن شکل نمی‌گیرد. مقام معظم رهبری به دوری از اختلافات در مبانی مختلف بین مسلمانان توجه داشته و می‌فرمایند: «ما ملت‌های مسلمان باید هشیار باشیم. نخبگان کشورهای اسلامی باید بیدار باشند؛ خودشان را سرگرم بگومگوهای بی‌مورد و کم‌اهمیت نکنند؛ اختلافات مذهبی، اختلافات قومی، اختلافات سلیقه‌ای و بحث‌های حاشیه‌ای را وارد نکنند. آنچه در این منطقه دارد اتفاق می‌افتد، عظمتش بیش از این حرف‌هاست» (بیانات رهبری، ۲۱/۲/۹۳).

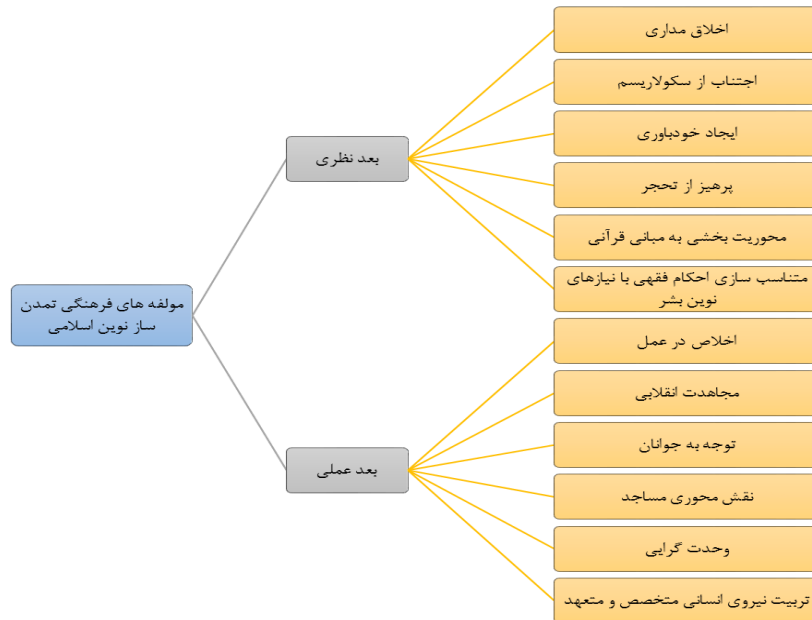
آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص نقش وحدت در پی‌ریزی یک تمدن مستحکم بیان می‌کند «کَلِّيتْ مَلَّتْ و وحدت مَلَّتْ را ارج بنهید. مواظب باشید انگیزه‌های صنفی، انگیزه‌های حزبی و انگیزه‌های گروهی و سلیقه‌ای و خطی، شما را به یک‌طرف جذب نکند. بنابراین وحدت کلمه را حفظ کنید. اگر این شد، به فضل پروردگار در طول سال‌های آینده و ده‌ها سال آینده، چنان بنای تمدن رفیعی در اینجا و بسی جاهای دیگر، شالوده‌ریزی خواهد شد و چنان عظمتی از اسلام و مسلمین آشکار خواهد شد که دیگر حقیقت و

واقعیتی برای استکبار جهانی باقی نخواهد ماند و دیگر استکباری وجود نخواهد داشت» (بیانات رهبری، ۱۱/۰۸/۷۳). تبعیت از رهبری واحد مهم‌ترین عامل در سازماندهی شاخص‌های شکل‌دهنده‌ی تمدن سازی نوین اسلامی است. اگر تمام شاخص‌ها برای شکل‌گیری تمدن‌سازی محیا باشد ولی رهبری واحد نباشد و در این زمینه اتحادی نباشد، کار به‌جایی نمی‌رسد.

#### تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد

اسلام به دنبال این است تا تمدن اسلامی با رویکرد الهی بنا کند. برای شکل‌گیری چنین رویکردی، نیاز به نیروی انسانی است؛ نیروی انسانی که هم متخصص و هم متعهد باشد. پس در تمدن‌سازی نوین اسلامی، از راهکارها در قبال آسیب‌های فرهنگی، تربیت نیروی انسانی متخصص است از منظر آیت‌الله خامنه‌ای یکی از مهم‌ترین محورهای تمدن‌ساز وجود نیروی انسانی در آن کشور است و از منظر ایشان کشورهایی که دارای نیروی انسانی بوده‌اند و هستند خودشان نیازها و سرنوشت خودشان را رقم می‌زنند، ولی جوامعی که از لحاظ نیروی انسانی فقیر هستند سرنوشت این جوامع توسط دیگران رقم خواهد خورد ایشان می‌فرمایند: «برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است. فرق کشورهایی که می‌توانند سرنوشت خود و بلکه بخشی از دنیا را به دست بگیرند، با آن کشورهایی که مثل پر کاهی در امواج سیاست‌های جهانی به این طرف و آن طرف می‌روند، در همین است. کلید اصلی هم علم و بر اثر علم، فناوری است» (بیانات رهبری، ۶/۸/۸۸).

ایشان معتقد است «اگر در یک کشوری نیروی انسانی کار نباشد، ضعیف و غیر ماهر باشد، یا فکر او و ذهن او دستخوش جریان‌های سیاسی گوناگون باشد، آن کشور فلج خواهد شد» (بیانات رهبری، ۷/۲/۱۳۹۲). بنابراین باید توجه داشت که شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین اسلامی نیاز به نیروی انسانی فعال دارد؛ نیروی انسانی که هم صاحب تعهد و هم صاحب تخصص باشد مباحث فوق در قالب شکل زیر قابل ترسیم است.



شکل ۱: مؤلفه‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی (یافته‌های نویسندگان)

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاشی برای شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی تمدن‌ساز حکومت اسلامی و راهبردهای صیانت فرهنگی از آنها می‌باشد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که ظهور تمدن از مهم‌ترین خواسته‌ها و امیال بشر در طول زندگی بوده و است؛ تمدنی که مسیر زندگی انسان را در تعالی قرار دهد و امنیت و آسایش را برای او در برداشته باشد. انسان خارج از روند تمدنی بر مسیر پیشرفت قرار نمی‌گیرد. یکی از اهداف اساسی تفکر اسلامی شکل‌دهی به تمدن اسلامی است. چرا که رکنی که می‌تواند جوامع اسلامی را در مسیر رشد و سعادت قرار دهد، تمدن‌سازی است. آنچه مهم است اینکه تمدن‌سازی مستلزم ایجاد شاخص‌هایی است که شاخص‌های فرهنگی در این روند جایگاه مهمی دارد و حکومت اسلامی باید ضمن تقویت این مؤلفه بر صیانت از آنها مداومت نماید.

از طرفی پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بود. انقلاب اسلامی ایران ماهیتاً فرهنگی بود و مؤلفه‌های فرهنگی نیز زیربنای تمدن‌سازی است. در این پژوهش نگارندگان درصدد برآمدند ضمن بازشناسی مؤلفه‌های فرهنگی تمدن‌ساز حکومت اسلامی به راه‌های صیانت از این مؤلفه‌ها اشاره نمایند. این بحث به صورت موردی، اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای را مورد مذاقه قرار داد. مؤلفه فرهنگی تمدن‌ساز حکومت اسلامی از نظر ایشان را می‌توان در دو بُعد نظری و عملی تقسیم‌بندی نمود. در بُعد نظری، ویژگی‌هایی نظیر توحیدگرایی، اخلاق‌مداری، عنایت به مبانی قرآن کریم، دوری از



سکولاریسم، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای زمان، پرهیز از تحجر و توجه به جوانان، برجسته هستند. از طرفی مؤلفه‌های فرهنگی تمدن‌ساز در بُعد عملی شامل؛ پرهیز از اختلافات عمومی، مجاهدت انقلابی، تربیت و پرورش نیروی انسانی ماهر، اخلاص در عمل، برجسته‌سازی اماکن مقدس نظیر مساجد می‌باشند.

## References

- THE HOLY QURAN
- Adamiabarghoui, Ali; Nasrollahi, Rouhollah (2008), civilizing university, the historical necessity of the new age, publications of department of culture and social affairs of ministry of science, research and technology.
- Agroup of authors (2008), islamic revolution of Iran, qom, daftar e\_nashr\_e\_maaref.
- Akbari, mortezaa; Rezaei, fereydoon (2016), an investigation on characteristics of modern Islamic civilization in thought of supreme leader. semi\_annual journal of olgooyepishrafteeslamiva irani, number 5.
- Alsadr, seyed mohammadbaagher (1432alef). Islam and establishment of contemporary human culture. center for publishing and translate and community of Islamic cultural knowledges.
- Alsadr, seyedmohammadbaagher (1409), historical tradition in quran, Damascus, Syria, the house of introduction of journals.
- Alsadr, seyedmohammadbaagher (1434), our philosophy, scientific conference about shahid sadr.
- Altwajjri, Abdulaziz Othman (2007), Cultural Strategy for the Islamic World (As amended and adopted by the Fourth Islamic Conference of Culture Ministers), Publications of the Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Anjomshoa, azarvaaboozarmazaaheri (2019), <<the impact mechanism of holy quran on the intellectual foundations of Islamic civilization>> monthly journal of marefat, may, number245
- Arasta, mohammadjavad an dalibahadorijahromi (2015), "islamicgovernment,recognition criterion and practical features", Quarterly journal of danesh\_e\_hoghoogh\_e\_omoomi,third period,spring,number7.
- Ashkvari, mohammadjafar; mousavi, sepideh Zahra (2016), factors and backgrounds of Islamic civilization vivification in speech of supreme leader of Islamic revolution, conference of modern Islamic civilization, shaahed university.
- Bagherzadeh, mohammadreza (2004), "pathology of the islamic revolution", maarefat journal, number 68.
- Bahmani, mohammadreza (2015), modern Islamic civilization in thought of ayatollah khamenei (what and how the civilization of islamic republic of iran evolved), journal of ketab\_e\_naghdva nazar, number 74.

- Bassiouni, Cherif (2012), Introduction to Islam, Washington, Middle East Policy Council.
- Callahan, K. R & Brooks, L. M: (2004) Essentials of strategic project management, USA, John Wiley & Sons.
- Dehshiri, mohammadreza (2016), modern Islamic civilization basics and perspectives, conference of modern islamic civilization shaahed university.
- Derakhshe,jalal and others(2018), “modern Islamic civilization’s horizons in sky of ayatollah khamenei’s thoughts”, emamsaadegh publishings.
- Elviri, Mohsen va seyed reza mehdinejaad “the relation between religion and civilization in thought of maalek ebne nabi, quarterly journal of Islamic civilization and history”, ninth period, spring and winter, number18.
- Farmihanifaraahani, Mohsen (2016), requirements of realization of modern Islamic civilization, conference of conference of modern Islamic civilization shaahed university of Tehran.
- Farmihanifaraahani, Mohsen; Khariarani, Majid (2016), religious education, foundation of modern Islamic civilization conference of modern Islamic civilization shaahed university of Tehran.
- Farugi, IsmailRaji (2013), The Essence of Islamic Civilization, The International Institute of Islamic Thought.
- Foozi, yahyaa va mahmoodreza sanamzadeh (2013), terminology of ethics from perspective of quran, journal of quran number 8 .
- Gholaamjamshidi, mohammadsaadegh (2012), Islamic culture and civilization payaame nor university publishings.
- Gholami, reza (2017), “freedom and modern Islamic civilization”, second national conference of tamaddon novine slaami, Tehran, shaahed university.
- Haatami, Mohammadreza (2012), components of Islamic civilization, Tehran: emamsaadegh university publishings.
- Hoseinayee, Fatemeh; Alipourmoghdam, Zahra (2016), formation backgrounds and internalization process of modern Islamic civilization from the perspective of supreme leader, conference of tamaddone novine eslami shaahed university.
- Islami nodushan, Mohammadali (1993), culture and pseudo\_culture, yazdan publishing.
- Jafarian, Rasoul (2011), “social components in islamic civilization”, monthly journal of sooreh, february and march, number 48- 49.
- Jamshidi, Mohammadhossein (2016), Religious foundations of civilization from perspective of islam, conference of modern islamic civilization of shahed university in tehran.
- Jamshidi, mohammadhossein (2015), “sublime civilization in thought of martyr sadr”, quarterly journal of olumeensanieslami\_e\_sadra, autumn and winter, number11and12.
- Khaariarani, Majid; Aliakbarzaadeharani, Zahra (2016), foundations and components of modern Islamic civilization with emphasis on thoughts of supreme leader, conference of modern Islamic civilization shaahed university.
- Khamenei, seyyed ali (2018), hadisevellayat, Tehran, moaseseenghelabeslami.

- Khazaei, Ali; Rajabidavaani, Mohammad hossein (2016), comparative study of eschatology of civilization, conference of modern Islamic civilization shaahed university.
- Khorshidi, hossein (2016), "an study on existential basics of Islamic government", journal of habl al matin, fourth year, summer, number11.
- Linton, rolph (1959), the path of civilization, translated by parviz marzbaan, Tehran, tabaan.
- Lucas, henry (1990), history of civilization(voll), translated by abdohosein azarang, keyhan institiute publishings.
- Mehrnya, Hassan (2018), "necessity and sololutions of muslims unity and establishment of modern Islamic civilization", semi \_annual journal of asfaar, spring and summer, number 5.
- Moftakhari, Hossein (2001), "Islamic civilization, basics and components", journal of history islam, summer, number 2.
- Mohammadi, khadijevamehdinaaderi (2019), "the nature and elements Islamic state in perspective of supreme ayatollah Khamenei", quarterly journal of approach of Islamic revolution, twelfth year, number 42.
- Moharrami, tohid (2019), "the future of cultural security of Islamic republic and realization of modern Islamic civilization", quarterly journal of fundamental studies of Islamic civilization, period1, spring and summer, number1.
- Mollaei, Hassan (2016), position and functions of mahdaviat doctrine and entezaar in formation of modern Islamic civilization from perspective of imam khamenei, quarterly journal of mahdavi researches, number 12.
- Moradinasab, hosein & shams abaadi, Haadi (2019), "the role of shia scientists on extension of Islamic culture and civilization in shaamaat from the beginning to end of seventh century AH", quarterly journal of history of Islam, spring, number 73.
- Najafi, Hassan and others (2018), "the analysis of mahdaviat doctrine position in vivification of modern Islamic civilization", quarterly journal of Islam and translation studies, fifth year, winter, number 3.
- Noroozi, Mohammadjavaad (2011), Islamic revolution and vivification of Islamic civilization with emphasis on perspectives of supreme leader (retrieved from article collection of islamic revolution's horizons, university of emaamsaadeghpublishings.
- Rajabidavani, Hossein; Khazaei, Ali (2016), modern Islamic civilization an effective component for strength of internal construction of Islamic republic of iran, conference of modern Islamic civilization shaahed university.
- Rajialfaaroughi, esmaeil (1436), monotheism the substance of Islamic civilization, beyrou, almahad al alamilelfekreleslami.
- Rezaei, Abdolali (2013), engineering of modern Islamic civilization (obstacles and requirements) ketabe farad publishings.
- Saadatnia, Reza; Emamjomezadeh, sharifolsadaat; Alavi, salimesadaat (2016), the role of justice in development of Islamic civilization from the perspective of quran and nahjlbalaaghe, kosar journal, number 53.
- Sadr, seyedmohammadbaagher (2015), our philosophy, translated by abolghasem hoseini, qom, dar al sadr.
- Sadr, seyedmohammadbaagher (2015), sparks, qom, daarolsadr.

- Safari, Reza (2011), "history of Islamic civilization", ketabemaahatarikhva joghrafia, January, number 152.
- Salimi, Abdolhakim (2013), awakening and vivification Islamic civilization with emphasis on political thought of supreme leader of Islamic civilization. article collection of conference of Islamic awakening in thought of imam khomeini and ayatollah khamenei available on paaygahe etelaa resani daftare hefzonashra asare ayatollah seyedalikhameini.
- Shariati, Ali (1992), history of civilization: Tehran: ghalam.
- Shariatitabaar, Mehdi (2016), a glance on Islamic civilization from the perspective of holy quran, mashkooh journal, number 128.
- Sinaei, Fateme; Alipourmoghadam, Zahra (2016), formation backgrounds of and realization process of modern Islamic civilization from the perspective of supreme leader, conference of modern Islamic civilization shahed university.
- Tabrasi, Hasan ben fazl (1992), gratnesses of ethics, qom, sharifreza publishings.
- Toghaani, Aboozar (2014), Islamic civilization infrastructure of bliss and evolution of mankind, available on paaygahe takhasosi maaref ahlebeyt.
- Vahidimanesh, Hamzehali (2008), "civilization elements of supreme religion of islam", monthly journal of maarefat, march, number 123.
- Zanimahjoub, Habib (2012), renovation of Islamic civilization, journal of taarikhdarandishe pajouhesh, number1.
- Zanimahjoub, Habib (2017), political requirements of modern Islamic civilization from the perspective of imam khamenei. islamic political researches, number 9.
- Zamiri, mohammadreza (2010), "Islamic civilization from perspective of Imam Khomeini", maarefat journal, june, number 138.